



The Feasibility of Using Artificial Intelligence in the Evaluation of Arbitration Evidence from the Perspective of Jurisprudence and Law

Mohammad Amin Esmaeilpour¹, Fatemeh Ghanad^{1*}, Shahab Jafari Nedoushan²

1. Department of Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Law, University of Research science University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The use of artificial intelligence in the arbitration process, including the evaluation of evidence, can facilitate and speed up the process. Artificial intelligence is an emerging phenomenon and its use in arbitration in an independent or facilitating role can bring many jurisprudential and legal challenges. On the other hand, this intelligent tool is an emerging phenomenon and delayed the establishment of existing laws in the field of arbitration, as a rule, it has not been possible to use the exact title of artificial intelligence in the laws. In order to synchronize laws and technology, it is necessary to pay serious attention to legislation in this area.

Method: This article is written in a descriptive and analytical method, using library resources, including books and articles.

Ethical Considerations: This research was written based on ethical and trustworthiness principles.

Results: Considering the self-promoting nature of artificial intelligence and the use of new methods and algorithms, not recognizing it is against common sense and common sense.

Conclusion: Looking at the established goals and the intention of the legislator in arbitration, the powers and will of the parties in resolving disputes are considered very strong and effective. This is confirmed by Article 27, Paragraph 3 of Iran's International Commercial Arbitration Law, which stipulates that the parties can conduct arbitration on the basis of justice, equity, or God's Code. In other articles of this law, impartiality, independence and equality of treatment are the mandatory principles of the referee. Among the regulations, it seems that the parties can determine the substantive or formal rules governing their disputes.

Keywords: Artificial Intelligence; Arbitration; International Commercial Arbitration Law; Jurisprudential Foundations

Corresponding Author: Fatemeh Ghanad; **Email:** ghanad.usc@gmail.com

Received: November 06, 2023; **Accepted:** March 05, 2023; **Published Online:** March 17, 2024

Please cite this article as:

Esmaeilpour MA, Ghanad F, Jafari Nedoushan SH. The Feasibility of Using Artificial Intelligence in the Evaluation of Arbitration Evidence from the Perspective of Jurisprudence and Law. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e67.



امکان سنجی به کارگیری هوش مصنوعی در ارزیابی ادله دآوری از منظر فقه و حقوق

محمدامین اسمعیل پور^۱، فاطمه قناد^{۱*}، شهاب جعفری ندوشن^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران،
۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: به کارگیری هوش مصنوعی در فرایند دآوری، از جمله ارزیابی ادله، می تواند فرایند رسیدگی را تسهیل و تسریع نماید. هوش مصنوعی یک پدیده نوظهور بوده و به کارگیری آن در دآوری در نقش مستقل یا تسهیل گر، می تواند چالش های فقهی و قانونی فراوانی را به همراه داشته باشد. از طرفی این ابزار هوشمند، پدیده های نوظهور و مؤخر بر وضع قوانین موجود در زمینه دآوری است، قاعدتاً استفاده از عنوان دقیق هوش مصنوعی در قوانین امکان پذیر نبوده است. ضروری است در راستای همگام شدن قوانین و فناوری، نسبت به تقنین در این حوزه اهتمام جدی ورزیده شود.

روش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه ای از جمله کتب و مقالات نگارش گردیده است.

ملاحظات اخلاقی: این تحقیق با تکیه بر اصول اخلاقی و امانتداری نگارش شده است.

یافته ها: با توجه به ماهیت خودارتنقایی هوش مصنوعی و بهره گیری از روش ها و الگوریتم های نوین، به رسمیت نشناختن آن، خلاف عقل و عرف می باشد.

نتیجه گیری: نظر به اهداف تأسیسی و مراد مقنن در دآوری، اختیارات و اراده طرفین در حل و فصل اختلافات بسیار پررنگ و مؤثر تلقی می گردد. مؤید این امر، بند ۳ ماده ۲۷ قانون دآوری تجاری بین المللی ایران می باشد که مقرر می دارد طرفین می توانند دآوری را بر اساس عدل، انصاف یا کدخدامنشانه به جریان بیندازند. در مواد دیگر از این قانون، بی طرفی، استقلال و تساوی رفتار از اصول آمرانه ناظر بر داور می باشد. در جمع مقررات به نظر می رسد که طرفین می توانند قوانین ماهوی یا شکلی حاکم بر اختلافات خود را تعیین نمایند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی؛ دآوری؛ قانون دآوری تجاری بین المللی؛ مبانی فقهی

نویسنده مسئول: فاطمه قناد؛ پست الکترونیک: ghanad.usc@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Esmaeilpour MA, Ghanad F, Jafari Nedoushan SH. The Feasibility of Using Artificial Intelligence in the Evaluation of Arbitration Evidence from the Perspective of Jurisprudence and Law. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e67.

مقدمه

طرفین داورى در صورت تمایل به حل اختلاف از طریق داورى می‌بایست ارجاع امر به داورى را در قالب شرط یا موافقت‌نامه داورى مستقل درج نمایند.

موافقت‌نامه داورى حسب ماده ۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى، می‌بایست طی یک سند به امضای طرفین برسد یا وجود تلگرام، مبادله‌نامه یا تلکس و نظایر آن بر وجود موافقت‌نامه دلالت نماید. به طور معمول طرفین شرایط و نحوه رسیدگی در موافقت‌نامه داورى را پیش‌بینی می‌نمایند (۱). برای مثال، ممکن است استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در صحت‌سنجی ادله به عنوان شیوه‌ای نوین جهت حل اختلاف در موافقت‌نامه داورى درج گردد.

صحت‌سنجی ادله داورى از طریق ابزارهای هوش مصنوعی، گاهی اوقات مربوط به آیین رسیدگی شکلی است. برای مثال، ابزارهای هوش مصنوعی با روش‌های خود بررسی می‌نمایند که آیا امضای مندرج در سند دارای اصالت است یا خیر، اما در برخی مواقع، صحت‌سنجی ادله علاوه بر بررسی شکلی، ناظر به فرایند امور و قانون ماهوی می‌باشد. برای مثال با بررسی اسناد و مدارک ارائه‌شده، ابزارهای هوش مصنوعی به صحت‌سنجی پرداخته و در آخر در خصوص محق بودن احدی از طرفین اظهار نظر می‌نمایند. اظهار نظر ماهوی، ناظر به زمانی است که این ابزار مستقلاً بدون دخالت انسان داورى نماید.

سؤال اصلی این مقاله به این شرح است در صورت استفاده از هوش مصنوعی به عنوان داور یا تسهیل‌گر در ارزیابی ادله داورى، آیا مواد مندرج در قوانین و ادله اخباری یا عقلی در فقه، می‌تواند چنین پدیده‌ای را به رسمیت بشناسد؟

فرضیه مقاله بر این است که نظر به اینکه هوش مصنوعی و ابزارهای آن، پدیده‌ای نوظهور و مؤخر بر وضع قوانین موجود در زمینه داورى است، قاعدتاً استفاده از عنوان دقیق هوش مصنوعی در قوانین امکان‌پذیر نبوده است، لکن سابق بر این با توجه به پیشرفت‌هایی در حوزه دیجیتال، مقنن به ابزارهای الکترونیکی همچون ایمیل، ویس‌چت و ویدیو کنفرانس، در

قوانین داخلی و بین‌المللی اشاره کرده است، البته این امر، نافی تدوین قوانین در این حوزه نمی‌باشد. در تطبیق ابزارهای هوش مصنوعی با وسایل الکترونیکی می‌توان اشاره نمود که ابزارهای هوش مصنوعی نسخه پیشرفته وسایل ارتباطی الکترونیکی هستند که ارکان تشکیل‌دهنده آن‌ها مشابه می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

روش این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که استفاده از هوش مصنوعی به عنوان ابزار کمکی یا مستقل، صرف نظر از اینکه بنا بر تفسیر قانون از نگاه عرف، عقل و قواعد حاکم قابلیت توجیه دارد، لکن نافی وضع قوانین و مقررات با توجه به چالش‌های کنونی هوش مصنوعی، نمی‌باشد.

بحث

۱. نظام حقوقی ایران

۱-۱. **هوش مصنوعی در نقش تسهیل‌گر:** برای آغاز فرآیند داورى، طرفین می‌بایست موافقت‌نامه داورى را منعقد نمایند. با توجه به تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات در دوران مدرن، شیوه‌های تهیه توافق‌نامه‌های داورى از مدل‌های کاغذی و امضای سنتی به شکل‌های الکترونیکی تبدیل شده‌اند، در حالی که قوانین داخلی کشور، مثل قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، با ارائه مفاهیمی نظیر داده پیام و امضای الکترونیک به پیشبرد حوزه دیجیتال می‌پردازند. مطابق ماده ۷ قانون داورى تجارى بین‌المللی، یک توافق‌نامه داورى باید به شکل مکتوب و امضای طرفین برسد که از وسایل الکترونیکی

مانند نامه یا تلگرام تبادل شده باشد. بر اساس قانون تجارت الکترونیک، داده‌پیام و امضای الکترونیک با توجه به کاربرد ابزارهای هوش مصنوعی تعریف شده‌اند و قابل استناد در دادگاه‌ها و مراجع داورى می‌باشند. وقتی طرفین به توافق می‌رسند که اختلافاتشان توسط داور حل شود، موافقت‌نامه ممکن است به صورت الکترونیکی ایجاد و ارسال شود (۲).

بر فرض اینکه قوانین داخلی ایران در خصوص استفاده از هوش مصنوعی در صحت‌سنجی ادله ساکت باشند، لکن نهی یا ممنوعیتی در این زمینه اشاره نشده است. در واقع این روش، تغییری در ماهیت داورى و قواعد آمرانه آن، از جمله بی‌طرفی داور ایجاد نمی‌نماید. بلکه داور با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در محیط مجازی یا حضوری، نسبت به صحت‌سنجی ادله اقدام می‌نماید. بنابراین هیچ مخالفتی با نظم عمومی و مقررات آمره ندارد.

اصل تناظر، تساوی اصحاب و رعایت عدالت، از جمله اصول تضمین‌کننده دادرسی عادلانه است که این اصول در داورى بر اساس مواد ۴۹۴ تا ۵۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است. دادرسی عادلانه چه در امور قضایی و چه در داورى موضوعیت دارد و استفاده از ابزارهای سنتی یا هوش مصنوعی چنانچه به رعایت این اصول کمک نماید، هیچ‌گونه ممنوعیتی نداشته، بلکه موجب تضمین صحت فرایند داورى می‌گردد.

طرفین دعوا می‌توانند در زمان درج شرط داورى، از ظرفیت ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادهای استفاده کنند. ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل حاکمیت اراده را در قراردادهای بیان می‌کند. این اصل، به طرفین دعوا این امکان را می‌دهد که در قرارداد خود، شرط استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی را با هر شرایطی که می‌خواهند، بگنجانند. اصل آزادی قراردادهای نیز به طرفین دعوا این امکان را می‌دهد که قرارداد خود را با هر محتوایی که می‌خواهند، تنظیم کنند، ماده ۱۹ قانون داورى تجاری بین‌المللی مؤید این نظر است.

همچنین در راستای کشف حقیقت، ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی در این زمینه مقرر می‌دارد که قاضی می‌تواند هرگونه

اقدامی در راستای کشف حقیقت انجام دهد. در این بحث می‌بایست بین تحصیل دلیل و اقدامات جهت کشف حقیقت تفاوت قائل شد. در فرایند دادرسی مدنی در ایران، به طور کلی بار اثبات بر عهده مدعی است و بنابراین وی مکلف به ثبوت تمامی مسائلی است که بر اساس آن حق خود را ادعا می‌کند. در چنین نظامی، دادرسی نقش فعالی در جمع‌آوری و تهیه دلایل ندارد و تنها در انتظار مستندات و شواهدی است که طرفین ارائه می‌دهند. این موضوع به نام قاعده منع تحصیل دلیل شناخته می‌شود. اصلی که بسیاری از حقوقدانان آن را مبنای این قاعده می‌دانند، «اصل بی‌طرفی دادگاه» است. برخی معتقدند گرچه در دادرسی مدنی ممکن است محدودیت‌های تشریفاتی وجود داشته باشد، اما در دادرسی داورى، چنین محدودیت‌هایی نیست، ولی این به این معنا نیست که اصول آمرانه مانند بی‌طرفی، ترافیعی بودن و اصل تناظر لحاظ نشود. این گروه از افراد معتقدند که هرگاه داور به تحصیل دلیل بپردازد، در واقع به نفع یکی از طرفین عمل کرده و این خلاف اصل بی‌طرفی است و هرگونه نقض در بی‌طرفی می‌تواند دلیلی بر جرح داور باشد. یکی دیگر از دلایل مخالفت با تحصیل دلیل از سوی دادرسی، مسأله منع تحصیل دلیل است که به این معناست که چون دادرسی نمی‌تواند طرفین را در مورد یک دلیل خاص راهنمایی کند، پس در نتیجه نباید از طرفین دلیل خاصی را هم مطالبه کند (۳).

قاعده منع تحصیل دلیل با توجه به تغییرات حاصله در قوانین تعدیل گشته است. این قاعده با اقدامات و تحقیق در راستای کشف حقیقت منافات ندارد (۴). به عبارت دیگر، در داورى نسبت به رسیدگی قضایی انعطاف بیشتری وجود دارد که این ویژگی ترجیح طرفین در مراجعه به داورى و رهاکردن خود از محدودیت‌های حاصل از قوانین و مقررات است. از جمله مزایای داورى مقیدنبودن به قاعده منع تحصیل دلیل و استفاده از هر روش جهت صحت‌سنجی ادله به شرط رعایت قواعد آمرانه است که این امر نباید موجب خروج داور از بی‌طرفی گردد (۵)، لکن بر فرض پذیرش قاعده منع تحصیل، چنانچه داور در راستای مدارک ابرازی در راستای کشف

حقیقت از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده نماید، از مصادیق کشف حقیقت بوده که با قاعده مذکور منافات ندارد. اطلاق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی جهت راستای کشف حقیقت مؤید این نظر می‌باشد.

برخی مفاهیم حقوقی قابلیت دارا شدن مصداق‌های جدید را دارند، به شرطی که این مصداق‌ها، مصداق واقعی همان مفاهیم باشد. برای مثال، در گذشته حیات از طریق ابزارهای سنتی مانند بیل، از اسباب مالکیت بود. چنانچه شخصی در حال حاضر با ابزارهای نوین مثل تراکتور و... در مباحث تصرف کند، این عمل حقوقی همچنان حیات می‌باشد، زیرا آنچه اهمیت دارد، تصرف در مال مباح است، حالا این تصرف چه با ابزارهای سنتی و چه با ابزار نوین تفاوتی در ماهیت عمل ایجاد نمی‌نماید (۶). با توجه به توضیحات فوق، داورى به معنای حل و فصل اختلافات خارج از سیستم‌های قضایی و یک نهاد خصوصی است. در داورى‌های سنتی، داور جهت کشف حقیقت، در مواردی موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهد. اگر در خصوص جواز استفاده از هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار تسهیل‌گر در داورى تردید وجود داشته باشد، می‌توان استدلال کرد با توجه به مفهوم داورى، حل و فصل اختلافات و کشف حقیقت خارج از نهاد یا سیستم قضایی مد نظر است. چنانچه داور در راستای کشف حقیقت از هوش مصنوعی به عنوان روش نوین استفاده کند، این روش جدید، همان مفهوم داورى را تبیین می‌نماید. برای مثال حتی در روش‌های سنتی نیز جهت کشف حقیقت، نظریه کارشناس طریقت دارد نه موضوعیت، لذا داور، در نهایت می‌بایست یافته‌های کارشناس را با قراین و امارات تطابق دهد و رای نهایی را صادر کند. در خصوص ابزارهای هوش مصنوعی در صحت‌سنجی ادله نیز نتایج و ارزیابی هوش مصنوعی توسط داور انسانی مجدداً بررسی می‌گردد و به این معنا نیست که خروجی هوش مصنوعی لزوماً بدون نظارت انسان اجرا گردد. همچنین یکی از منابع استنباط احکام، دلیل عقلی می‌باشد، به طوری که ما حکم به العقل حکم به الشرع. ارتکاز عقلایی به معنای رسوخ کردن یک مفهوم در عرف عقلا است. چنانچه در زمان شارع، ارتکاز عقلایی استفاده از روش‌های سنتی در

راستای کشف حقیقت برای داور را مجاز بدانند، قاعداً این ارتکاز صرفاً به مفاهیم و مصادیق زمان قدیم محدود نمی‌شود، چراکه با گذر زمان، مصادیق و مفاهیمی جدید به وجود می‌آیند که در آن عصر قابلیت تحقق نداشته‌اند (۷)، عرف عقلایی و دلیل عقلی به امضای شارع رسیده است و چنانچه عقلای عصر فعلی وجود هوش مصنوعی را برای تسهیل در امور لازم و معتبر بدانند، این ارتکاز نیاز به امضای شارع ندارد. در صورتی که هوش مصنوعی با قابلیت‌های فعلی، توانایی تفکر، یادگیری و خود ارتقایی را دارد، لذا اگر چنین ابزاری هم چون انسان‌ها قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل داشته باشد و در اختلافات پیچیده فرایند داورى را تسهیل نماید، قاعداً این ابزار هوشمند به جهت تسهیل و تسریع فرایند داورى، مورد استقبال عقلا قرار می‌گیرد. شاید برخی استدلال نمایند که ارتکاز عقلایی نیاز به امضای شارع دارد (۸)، در جواب می‌توان گفت که اصل داورى و اقدامات در راستای کشف حقیقت توسط شارع امضا شده است، لذا تطبیق مصادیق و مفاهیم جدید کشف حقیقت نیز با عقلا است، در صورتی که در تعیین مصادیق جدید امضای شارع لازم باشد، تقسیم اموال به مال منقول و غیر منقول نیز شرعی نمی‌باشد، چراکه در زمان شارع چنین تقسیمی وجود نداشته است. تفسیر این نظریه، موجب انکار هرگونه پیشرفت و فناوری خواهد شد، چراکه توسعه علم و دانش در مفهوم جدید، در زمان شارع وجود نداشته است، پس رد می‌گردد.

۱-۲. **هوش مصنوعی به عنوان ابزار مستقل: هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزار مستقل یا به عنوان دستیار در امر داورى نقش داشته باشد، در صورتی که هوش مصنوعی به عنوان داور اقدام به صحت‌سنجی ادله و سپس رأی مقتضی را صادر نماید، می‌بایست بررسی گردد آیا قوانین فعلی در قلمرو ایران چنین قابلیت‌هایی را دارد یا خیر.** در بند «الف» ماده یک قانون داورى تجاری بین‌المللی داورى، رفع اختلاف اشخاص در خارج از محاکم قضایی توسط شخص حقیقی یا اشخاص حقوقی مرضی‌الطرفین یا انتصابی تعریف می‌گردد.

۱-۲-۱. هوش مصنوعی به عنوان افراد طبیعی: عموماً انسان‌ها به دلیل ویژگی‌های زیستی، فردی و مهارت‌های اجتماعی، به عنوان شخصیت‌های حقیقی در جامعه حضور پیدا می‌کنند. بنابراین فرض بر این است که اهلیت قانونی در نهاد این اشخاص ذاتی می‌باشد. به همین دلیل به آن‌ها اشخاص حقیقی گفته می‌شود. در عین حال، اهلیت قانونی انسان‌ها نیز منبث از قوانین و مقررات می‌باشد، زیرا در اکثر نظام‌های حقوقی انسان‌ها از بدو تولد دارای اهلیت تمتع خواهند شد (۹).

انسان‌ها با ساخت هوش مصنوعی، از سیستم‌های فناوری اطلاعات برای انجام وظایف خاص بهره می‌برند. بنابراین هوش مصنوعی دارای ویژگی‌های زیستی یا مهارت‌های اجتماعی ذاتی نبوده و اطلاق شخصیت حقیقی به این سیستم‌ها همانند انسان امکان‌پذیر نمی‌باشد. چنانچه چنین اوصافی نیز بر هوش مصنوعی بار شود، این موارد از خصوصیات ذاتی و بیولوژیکی آن‌ها نمی‌باشد، چراکه فعالیت و وجود آن‌ها ناشی از توسعه‌دهندگان انسانی می‌باشد (۱۰). ماهیت هوش مصنوعی به معنای تولد آن‌ها نمی‌باشد، بلکه می‌توان گفت توسط انسان‌ها ایجاد می‌شوند. همچنین نسبت‌دادن مهارت و ویژگی‌های اجتماعی به ربات‌هایی که از فناوری هوش مصنوعی استفاده می‌کنند، صحیح نمی‌باشد، زیرا چنین رفتارهایی فقط می‌تواند نتیجه برنامه‌نویسی انسان باشد (۱۱).

۲-۲-۱. هوش مصنوعی به عنوان اشخاص حقوقی: اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری صرفاً بنا به حکم و تجویز قانون ایجاد می‌شوند. شخص حقوقی را می‌توان به عنوان نهاد یا سازمانی تعریف کرد که فعالیت‌های آن با اراده اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد و شخصیت آن‌ها در محدوده قانون و اهدافش معتبر می‌باشد. به طور معمول، در اکثر نظام‌های حقوقی، شخص حقوقی مستقل از اشخاص حقیقی، دارای، تابعیت و اهلیت قانونی برای طرح دعوا و انعقاد قرارداد دارد (۱۲). همچنین این اشخاص ممکن است دارای مسئولیت مدنی و بعضاً محکوم به جبران خسارت گردند.

امکان اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی محل نزاع میان اندیشمندان می‌باشد. دیدگاه و رویکرد اتحادیه اروپا، دلالت بر عدم امکان‌پذیری اعطای شخصیت حقوقی به سیستم‌های هوش مصنوعی است، زیرا تلقی کردن آن‌ها به عنوان شخص حقوقی، سیستم هوش مصنوعی را در معرض مسئولیت قرار می‌دهند و اساساً جبران خسارت توسط این سیستم و مسئول دانستن آن‌ها قابلیت اجرایی ندارد. در تقویت استدلال خود، اتحادیه اروپا به عدم اختصاص بودجه یا دارایی برای هوش مصنوعی اشاره کرده و جبران خسارت بدون دارایی قابل تحقق نمی‌باشد. بر این اساس از نظر این اتحادیه، مسئولیت خسارات ناشی از اقدامات هوش مصنوعی بر عهده سازندگان، مالکان و توسعه‌دهندگان آن‌ها می‌باشد (۱۳).

همچنین سیستم‌های هوش مصنوعی را نمی‌توان شخص حقوقی تلقی کرد، زیرا تلقی آن به منزله یک واحد سازمانی که اقدامات و اراده‌اش از طریق هیأت‌مدیره یا سایر اشخاص حقیقی ابراز گردد، خلاف ماهیت چنین سیستم‌های هوشمند است. لازم به ذکر است، اگر هوش مصنوعی برای انجام برخی امور برنامه‌ریزی یا توسعه داده شود، ممکن است به تنهایی، بدون کمک افراد حقیقی، عمل کند. در این صورت، مسئول دانستن هوش مصنوعی یا مالک آن، چالش‌برانگیز خواهد بود. در داورى، بین داورى شخص حقوقی و داورى سازمانی تفاوت وجود دارد. از نظر برخی حقوقدانان، تفاوتی فیمابین این دو داورى نیست و از مفهوم یکسان برخوردارند. به نظر می‌رسد اساسی‌ترین تفاوت داورى سازمانی و داورى شخص حقوقی این است که در داورى سازمانی، سازمان صرفاً به مدیریت فرایند داورى، از جمله تعیین داور، تعیین قواعد و مقررات ناظر بر فرایند داورى می‌پردازد. در واقع شخص حقیقی اقدام به داورى می‌نماید. در داورى شخص حقوقی، این شخص حقوقی است که داورى را برخلاف داورى سازمانی بر عهده دارد (۱۴). در خصوص عبارت فوق، قابلیت داورى توسط اشخاص حقوقی در رویه قضایی محل نزاع است. برای مثال شعبه ۲۵ دادگاه عمومی و حقوقی تهران در دادنامه شماره ۱۳۸۲/۳/۱۲-۲۵۷ در رد داورى اشخاص حقوقی استدلال می‌نماید که بر اساس

در دادگاه حقوقی تهران مبنی بر نامعلوم بودن مشخصات داور در داوری اشخاص حقوقی، رد می‌گردد، زیرا این اشخاص می‌توانند دارای نام و نام خانوادگی باشند که این ویژگی وجه تمایز این نهاد با سایرین است، لذا اشخاص حقوقی نیز معین و قابل اشاره می‌باشند.

یکی از راهکارهای مشروعیت‌بخشیدن به داوری از طریق ابزارهای هوش مصنوعی و صحت‌سنجی ادله بدون نظارت انسان، قابلیت تطبیق این سیستم با شخصیت حقوقی می‌باشد. از جمله پیامدهای تلقی کردن هوش مصنوعی به عنوان شخص حقوقی این است که این سیستم‌ها به صورت مستقل و در عرض اشخاص حقیقی اقدام به فعالیت نموده و دارای شخصیت مستقل نسبت به توسعه‌دهندگان و مالکین خود خواهند داشت (۱۶). از جمله ایرادات به نظریه فوق، تعیین اقامتگاه، تابعیت، اهلیت استیفا و دارایی برای سیستم‌های هوش مصنوعی است، چراکه اشخاص حقوقی دارای ویژگی‌های مذکور بوده، در حالی که این سیستم فاقد ویژگی‌های مذکور می‌باشد (۱۷).

از دیگر ایرادات این نظریه این است که اشخاص حقوقی به موجب قانون ایجاد می‌شوند، لذا تلقی کردن شخصیت حقوقی بر این ابزارها نیاز به تقنین دارد. اخیراً دادگاه استیناف در ایالات متحده آمریکا قابلیت طرح دعوا توسط هوش مصنوعی را به علت فقدان سمت، رد کرده است (۱۸). همچنین از جمله ایرادات مطروحه در این زمینه، معافیت تولیدکنندگان توسعه‌دهندگان و مالکین سیستم‌های هوش مصنوعی از مسئولیت‌های احتمالی در فرض ورود ضرر می‌باشد. همچنین با فرض ایجاد مسئولیت بر سیستم‌های هوشمند، دارایی این ابزار مبهم بوده و جبران خسارت را مشکل می‌سازد (۱۹). در پاسخ به ایراد اخیر، تحقق اهداف مسئولیت مدنی با پرداخت و جبران خسارت ملازمه ندارد، به عبارت دیگر، تولیدکنندگان و مالکین ابزارهای هوشمند را می‌توان مسئول جبران خسارات دانست. همچنین سیستم‌های هوشمند خود ارتقا و پیشرفته، می‌تواند با الگوریتم‌های نوین خود نتایج و عواقب بالقوه بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی خود را به عنوان یک خصیصه قبل از اتخاذ تصمیم مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

مواد ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۹، ۴۷۳ و ۴۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی، ماهیت داور از منظر مقنن شخص طبیعی می‌باشد که هیچ شک و تردیدی در آن به وجود نیاید، لکن ارجاع داوری به اشخاص حقوقی، به دلیل عدم مشخص بودن فرد معینی در آن، موجب شک و تردید نسبت به مشخصات داور می‌گردد. بر این اساس قاضی پرونده، ارجاع امر داوری به سازمان سیاحتی و مرکز تفریحی بنیاد مستضعفان و جانبازان را فاقد اعتبار دانست.

از دیگر استدلال‌های موافقان نظریه فوق این است که نظر به اینکه ابراز اراده اشخاص حقوقی از طریق اشخاص حقیقی میسر است، لذا در ارجاع داوری به اشخاص حقوقی، در حقیقت اشخاص طبیعی و انسان‌ها اقدام به داوری می‌نمایند. همچنین در تقویت استدلال خود، با استناد به مواد ۴۵۶، ۴۶۳ و ۴۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی و به کارگیری واژه نفر و تابعیت در معرفی داور، داوری را صرفاً ناظر به اشخاص حقیقی محدود می‌نمایند (۱۵).

در خصوص ایرادات وارده به داوری اشخاص حقوقی، استدلال‌های ذیل در به چالش کشیدن نظرات مخالفین قابل توجه می‌باشد. این موارد عبارتند از:

اولاً اشخاص حقوقی بنا بر ماده ۵۸۸ قانون تجارت دارای کلیه حقوق و تکالیفی که قانون برای افراد قائل بوده، می‌باشند، مگر حقوق و تکالیفی که مختص نهاد بشریت است، از جمله حقوق و تکالیف ابوت، نبوت و امثالهم؛ ثانیاً به کارگیری واژه نفر توسط مقنن مسامحتاً بوده، مؤید این نظر استعمال واژه مذکور در تعریف عقد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی است که حقوقدانان بر این باورند که عقد یا قرارداد فیما بین اشخاص حقوقی نیز ایجاد می‌گردد. از طرف دیگر استدلال مخالفین داوری اشخاص حقوقی، اجتهاد در برابر نص است، چراکه در بند «الف» ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوری اشخاص حقوقی نیز به صراحت پیش‌بینی شده است. تلقی و انحصار ابراز اراده به اشخاص حقیقی، به منزله عدم توجه به تأسیس نهادهای حقوقی و به رسمیت نشناختن آن است، در حالی که مقنن صراحتاً اشخاص حقوقی را در کنار اشخاص حقیقی معتبر و به رسمیت شناخته است؛ ثالثاً استدلال مقام قضایی

وجود یک شخصیت را ایجاب نماید، قانونگذار آن را به رسمیت می‌شناسد؛

۲- اشخاص حقوقی دارای اراده مستقل از اراده اعضای خود هستند. برای مثال تصمیم‌گیری‌های یک شرکت با اکثریت آرای اعضای خود اتخاذ می‌گردد و تصمیم‌گیری فردی معتبر نمی‌باشد، لذا اشخاص حقوقی، اهلیت تام در تمام موضوعات را دارد.

نظر دیگر در خصوص ماهیت اشخاص حقوقی این است که اساساً این اشخاص وجود واقعی ندارند و صرفاً به اعتبار یا جعل قانون به وجود می‌آیند، لذا شخصیت حقوقی یک امر اعتباری است، شروع یا خاتمه آن نیز با اراده قانونگذار است. اشخاص حقوقی مستقل از اعضای خود نمی‌باشند و وجود آن‌ها معلول وجود اعضای آن‌ها می‌باشد. اشخاص حقوقی، یک شخص ذی‌شعور یا صاحب اراده تلقی نمی‌گردد و اراده آن‌ها توسط اشخاص حقیقی یا انسان‌ها ابراز می‌گردد. اهلیت اشخاص حقوقی محدود به اختیارات تعیین‌شده بر اساس قانون یا اساسنامه می‌باشد (۲۱).

بر اساس نظریه وجود فرضی شخص حقوقی، این اشخاص وجود واقعی ندارند و صرفاً به اعتبار قانون به وجود می‌آیند. اشخاص حقوقی، فاقد اراده مستقل و دارای اهلیت محدود هستند. در این زمینه اصل بر عدم اهلیت اشخاص حقوقی است و وجود اهلیت، امری استثنایی می‌باشد.

همانطور که ذکر شد، مبنای تفکیک دو نظریه فوق برمی‌گردد به اینکه آیا اصالت با فرد است یا اجتماع. برای تشکیل یک شخصیت حقوقی، نیاز به اراده دو یا چند نفر می‌باشد، این اراده در نهایت یک اجتماعی را تشکیل می‌دهد. در نهایت می‌توان برای اجتماع، شخصیت مستقل یا غیر مستقل قائل شد. اصاله‌الفرد یا اصاله‌لاجتماع، نمی‌تواند مبنایی برای شخصیت‌بخشیدن به اشخاص حقوقی تلقی گردد، زیرا هوش مصنوعی با اراده یک یا چند نفر می‌تواند ایجاد شود، در حالی که تشکیل یک شخصیت حقوقی مستلزم اراده دو یا چند شخص است. فارغ از اینکه اصالت با اجتماع است یا فرد، همانطور که امکان اعطای شخصیت به موجوداتی جز انسان‌ها

بر اساس ماده ۵۸۹ قانون تجارت، تصمیمات اشخاص حقوقی توسط مقامات صالح به موجب قانون یا اساسنامه اتخاذ می‌گردد. در ادامه در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مقرر می‌دارد که مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت را دارند، جز درباره مسائلی که به موجب مقررات این قانون اتخاذ تصمیم در صلاحیت مجامع عمومی باشد. با توجه به مواد فوق و به کارگیری واژه مدیر اساساً مراد قانونگذار ابراز اراده اشخاص حقوقی توسط اشخاص حقیقی است. در واقع اگر طرفین حل اختلاف، شرکت سهامی را به عنوان داور انتخاب نمایند، مدیران یا سایر اشخاص طبیعی صالح به اقدام صدور رأی می‌باشند. لازم به ذکر است، داور در این مسأله، شرکت سهامی است و شخص حقیقی صرفاً اراده شرکت حقوقی را ابراز می‌کند. شاید بر اساس اطلاق ماده ۵۸۹ قانون تجارت اینطور برداشت گردد که اتخاذ تصمیمات اشخاص حقوقی توسط مقامات صالح، واژه مقامات صالح، عام بوده و هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای ابراز اراده اشخاص حقوقی می‌باشد، زیرا بر اساس ظاهر ماده، ابراز صحیح و شایسته اراده اشخاص حقوقی، با توجه به مفاد اساسنامه آن حائز اهمیت بوده، لذا فرقی ندارد شخص حقیقی یا هر ابزار دیگری این مهم را انجام دهد. بر فرض صحیح‌بودن این استدلال، بر اساس تعاریف داورى سازمانی و داورى اشخاص حقوقی، در این قسمت نیز شخص حقوقی به عنوان داور بوده و ابزار هوش مصنوعی صرفاً فرایند داورى را انجام می‌دهد.

در خصوص ماهیت اشخاص حقوقی نظریات متفاوتی وجود دارد. بر اساس نظریه وجود واقعی، اشخاص حقوقی وجود واقعی و حقیقی دارند و به اعتبار یا فرض قانون به وجود نمی‌آیند. اراده اشخاص حقوقی مستقل از اراده اشخاص تشکیل‌دهنده آن می‌باشد و می‌تواند عمل حقوقی انجام دهد (۲۰). مبنای این نظریه می‌تواند به شرح ذیل باشد:

۱- اشخاص حقوقی به منظور تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی، یک ضرورت اجتماعی تلقی می‌گردد. برای مثال شرکت‌ها و دولت‌ها برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و اداره جامعه ضروری می‌باشند، لذا هر زمان ضرورت یا نیازهای اجتماعی

کند. پس این سیستم‌های هوشمند، چه بسا با پیشرفت در آینده بتوانند با روش‌های مذکور، مباحثاً محصولاتی را ایجاد نمایند که نیاز به دخالت انسان نباشد. بنابراین خالق این پدیده لزوماً انسان نیست. در حال حاضر نیز هوش مصنوعی، مستقلاً، اراده‌اش را بیان می‌کند، در حالی که ابراز اراده اشخاص حقوقی با انسان است. شخصیت حقوقی متشکل از دو واژه است، شخص به این معنا است که ویژگی‌هایی مثل شعور و اراده به انسان‌ها شخصیت می‌دهد، لذا کسی شخصیت دارد که صاحب اراده و شعور باشد، اما واژه حقوقی به این معنا است که شخص ذی‌شعور و بااراده، می‌تواند مسئولیت مدنی یا کیفری داشته باشد. بنابراین اگر یک موجودی به صورت واقعی یا اعتباری، ذی‌شعور یا با اراده تلقی گردد، می‌تواند دارای شخصیت حقوقی باشد. برای مثال شرکت‌ها به عنوان یک شخص حقوقی از آنجایی که تصمیمات آن‌ها به واسطه انسان بیان می‌شود و انسان یک شخص ذی‌شعور و بااراده است، قانونگذار به او شخصیت حقوقی اعطا می‌کند.

۲. دیدگاه فقه در خصوص داورى هوش مصنوعی: در متون فقهی، داورى به معنای تحکیم می‌باشد. زمانی که دو یا چند نفر برای فیصله‌دادن به اختلافات خود شخص ثالثی را به عنوان حکم یا داور انتخاب می‌نمایند، داورى شکل می‌گیرد (۲۳). به عبارت دیگر تحکیم به معنای انتخاب و تعیین ارادی داور توسط طرفین حل اختلاف می‌باشد. در فقه از داور به عنوان قاضی تحکیم نیز یاد می‌گردد. نظر به اینکه داور یا قاضی در نهایت اقدام به صدور رأی یا حکم می‌نمایند، برخی تصور نموده که این دو نهاد مشابه می‌باشند، در حالی که دو مفهوم مجزا و متفاوت است. از جمله تفاوت قاضی با داور، انتصاب قاضی از طرف حاکم بوده، لکن انتخاب داور از سوی افراد است. همچنین قاضی صلاحیت رسیدگی به تمامی اختلافات را دارد، اما برخی موضوعات قابل ارجاع به حکمیت یا داورى نبوده و اختیار داور در محدوده اراده طرفین حل اختلاف می‌باشد. مشروعیت داورى در فقه محل نزاع میان علمای اهل سنت است. برای مثال فخر رازی و زالی قائل به اعتبار داورى نبوده، چراکه از نظر آن‌ها، دلیلی مبنی بر اعتبار

میسر است، این امر به این معنا است که ضرورت و عرف حاکم بر جامعه در گذر زمان، وجود یک شخصیت جدید و بدیع را امر غیر طبیعی نمی‌داند. در ابتدا صرفاً انسان‌ها موضوع حق و تکلیف قرار می‌گرفتند، اما با گذر زمان و ضرورت‌های اجتماعی، نیاز به شخصیت‌بخشیدن به موجود دیگری به نام اشخاص حقوقی شد. اشخاص حقوقی همچون شرکت‌ها، مؤسسات مالی یا غیر مالی، اولاً و بالذات یک پدیده فاقد اراده و شعور است، اما در نهایت اگر چنین پدیده‌ای بر اساس اصاله الاجتماع یا اصاله الافراد معتبر محسوب گردند، خالق آن‌ها انسان است یا اعضای تشکیل‌دهنده آن شخص طبیعی می‌باشد، لذا اراده آن‌ها از طریق اشخاص حقیقی بیان می‌گردد.

در تفسیر قوانین، برخی مکاتب چون اخباریون صرفاً به دنبال کشف احکام مستحده از آیات، روایات و نص می‌باشند. به عبارت دیگر از تمامی علوم چون ادبیات، علم رجال، صنایع ادبی و... در جهت تفسیر اراده مقنن بهره می‌برند. از مزایای چنین تفسیری کشف اراده و هدف مقنن در زمان تقنین خواهد شد و نتیجه آن نظم می‌باشد، زیرا اجرای دقیق قانون و نص، خروجی آن منتهی به نظم خواهد شد و شخص رسیدگی‌کننده یا سایر مرتبطین با فرایند داورى، خود را مبرا از اشکالات وارده خواهند دید. در تفسیر قانون مکتب دیگری به نام عقلیون علاوه بر اجرای نظم، به دنبال آن می‌باشند که آیا ظاهر یا نص قانون تطابق با عقل دارد یا خیر. چنانچه ظاهر یک قانون خلاف مستقلات عقلی باشد، بنا بر تلازم عقل و شرع چنین تقنینی خلاف اهداف شارع حقیقی می‌باشد. در این راستا علاوه بر اجرای نظم، در تفسیر قانون و تطابق آن با عرف عقلایی و کشف اراده مقنن در عصر حاضر نیز می‌کوشند (۲۴).

با توجه به تعاریف و توضیحات فوق، از جمله شباهت شخص حقوقی با هوش مصنوعی این است که خالق آن‌ها در حال حاضر یک انسان است، هرچند در حال حاضر خالق هوش مصنوعی انسان می‌باشد، اما این پدیده با الگوریتم‌های یادگیری عمیق، شبکه‌های عصبی یا پردازش طبیعی زبان می‌تواند مستقل عمل کند و دانش یا تجربه جدید را کسب

نیست که داور باشد. علاوه بر این، در فقه امامیه و چهار مکتب اهل سنت عدالت را از خصیصه‌های داور برشمرده‌اند (۲۸). نظر به اینکه عدالت یک فضیلت انسانی است که فراتر از الگوریتم‌های کدگذاری و برنامه‌ریزی شده است، اساساً تطبیق این وصف با ماهیت هوش مصنوعی ممکن نمی‌باشد. چنانچه عدالت در داورى به معنای رعایت اصول حاکم بر داورى مثل اصل تناظر، اصل بی‌طرفی و رفتار مساوی با طرفین و صدور رأی بر اساس عدل و انصاف باشد، سیستم‌های هوش مصنوعی مبتنی بر داده‌ای را که سوگیری دارد، واجد شرط مذکور نمی‌باشد.

در خصوص رجل‌بودن داور یا جنسیت آن، بین مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود ندارد. به عنوان مثال مکاتب مالکی، شافعی و حنبلی استدلال می‌کنند که داور منصوب باید مرد باشد، برخلاف حنفی که به زنان اجازه می‌دهد به عنوان داور در مسائل مدنی مانند مسائل خانوادگی و مالی منصوب شوند، مثلاً عمر بن خطاب، پس از حضرت محمد (ص) یک زن را به عنوان قاضی منصوب کرد. در قرآن کریم، منشأ و ریشه انسان از یک نطفه بوده که در رحم مادر دچار تغییر و تحول می‌گردد (۲۹).

خداوند در آیات ۱۲ تا ۱۶ سوره مؤمنون می‌فرماید: «و همانا ما انسان را از عصاره گل آفریدیم، سپس هر انسانی را به صورت نطفه در مکانی امن قرار دادیم، سپس آن را به صورت لخته خون درآوردیم، سپس لخته را به صورت توده‌ای از گوشت درآوردیم، سپس آن توده را به استخوان تبدیل کردیم، سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیده شد، سپس آن را به صورت آفریده‌ای جدید به وجود آوردیم. فتبارک‌الله احسن الخالقین. پس از آن قطعاً خواهید مرد، سپس در روز قیامت برانگیخته خواهید شد.»

ممکن است کسی استدلال کند که برخی کشورها اقدام به ساخت ربات‌ها با اعطای تابعیت نموده، لذا می‌توانند ربات‌های زن یا مرد نیز اختراع کنند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۷، رباتی به نام سوفیا اولین رباتی در جهان بود که تابعیت عربستان سعودی را دریافت کرد. برخلاف انسان‌ها که خالق

حکمیت وجود ندارد، اما در فرقه شافعی، حکمیت یا داورى از اعتبار شرعی برخوردار است (۲۴).

آیه ۳۵ سوره نساء «و إن خفیتُم شقاقَ بَینَہما فابَعثوا حُکماً مِّن اہلِہ و حُکماً مِّن اہلہا...» اشاره به جواز و نفوذ داورى در احکام اسلامی دارد. مفاد آیه دلالت بر جواز حکمیت یا داورى در اختلافات خانوادگی دارد. با الغای خصوصیت، می‌توان آن را به سیار اختلافات تعمیم داد. همچنین در کتاب اهل سنت روایتی مبنی بر اینکه پیامبر اکرم (ص) سعد بن معاذ را میان خود و بنی قریظه به عنوان حکم، تعیین نمود (۲۵).

در فقه، اکثریت بر این باورند که تمامی شرایط لازم برای انتصاب قاضی اعم از شرایط عمومی مانند بلوغ و شرایط اختصاصی مانند اسلام یا عدالت برای قاضی تحکیم یا داور، ضروری می‌باشد. در خصوص اینکه داور می‌بایست بالغ یا عاقل باشد، اختلافی وجود ندارد، اما در خصوص شرایط اختصاصی قاضی و تطبیق آن برای داور لازم به بررسی و محل تأمل می‌باشد (۲۶).

از زمره ویژگی‌های یک قاضی در فقه، بلوغ است. به عنوان مثال، در قانون مدنی ایران، سن بلوغ پسران ۱۵ سال و در دختران ۹ سال است. در بخش دوم از قانون مالزی مصوب ۱۹۷۱ (قانون ۲۱) بیان می‌کند که سن بلوغ، ۱۸ سالگی است. بنابراین اشخاص پایین‌تر از سن تعیین‌شده در قانون، نظر به عدم بالغ‌بودن، صلاحیت داورشدن را ندارند. این ویژگی در داوران هوش مصنوعی چالش‌برانگیز است، زیرا ربات ماشینی است که در معرض رشد یا رشد سنی نیست. همچنین اندام‌های بدن انسان بر خلاف ربات دائماً در حال تکامل هستند. به طور خلاصه، برخلاف انسان، هیچ ربات بزرگسال یا ربات بالغ وجود ندارد (۲۴).

در خصوص ویژگی عدالت، به طور کلی قاضی عادل کسی است که از گناهان کبیره و صغیره دوری و اجتناب می‌نماید، لذا نه تنها در امور دینی و معنوی، بلکه در امور دنیوی نیز از جایگاه والایی برخوردار است (۲۷). در همین راستا، استدلال می‌شود که عدالت از ویژگی‌های انسانی است که او را از انجام گناهان کبیره و صغیره بازمی‌دارد. بنابراین انسان گناهکار جایز

نماید چنانچه در آینده، به طور مثال، ربات طوری برنامه‌ریزی گردد که اصول و احکام اسلامی را بشناسد و شهادت دو مرد در اثبات دعاوی مالی را ضروری بداند، مسلمان تلقی شود. با این حال، نظر به اینکه ربات ساخته بشر بوده و بر اساس الگوریتم و داده‌های آموزش داده توسعه می‌یابد، لذا قابلیت تطبیق با مسلمان بودن را به لحاظ فقدان اراده ندارد. همچنین اگر چنانچه ربات بر اساس الگوریتم‌های آموزش‌دیده، طوری برنامه‌ریزی گردد که شهادتین را برای گرویدن به اسلام بخواند، بنا بر عدم استقلال در اراده و اجبار، ربات مسلمان، تلقی نمی‌گردد، زیرا اجبار در دین بر اساس آیه ۲۵۶ سوره بقره و آیه ۹ سوره توبه نهی شده است (۲۴).

از ادله عقلی که در این زمینه وجود دارد، قاعده اصله الاباحه می‌باشد. بر اساس این قاعده، هر چیزی که بر حرمت یا حلال بودن آن تردید وجود داشته باشد و در نهایت دلیل قاطعی برای حرمت آن یافت نشود، به طور پیش‌فرض به عنوان حلال شناخته می‌شود، لذا چنانچه در به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان ابزار یا داور جهت صحت‌سنجی ادله شک و تردید شود، بر اساس این قاعده، حکم به جواز آن داده می‌شود.

در داورى تجارى بین‌المللى به خصوص اختلافات پیچیده، داور با حجم زیادى از اسناد الکترونیک و غیر الکترونیک ممکن است مواجه گردد، رسیدگی و کشف اسناد از حیث ارتباط، موضوعیت، ارزش اثباتی و صحت‌سنجی بسیار زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود. از جمله مزیت‌های داورى نسبت به رسیدگی‌های قضایی، سرعت و کم‌هزینه بودن چنین فرایندی می‌باشد، لذا توسعه و دستیابی به این مهم، همسوی اهداف و مراد مقنن و طرفین حل اختلاف داورى می‌باشد. استفاده از هوش مصنوعی در صحت‌سنجی ادله داورى، فرایند ارزیابی و اعتبارسنجی را تسهیل و تسریع می‌نماید، مضافاً از عسر و حرج پیش رو از اختلافات حساس و پیچیده نیز می‌کاهد. چنانچه چنین ابزارهایی فرایند رسیدگی در داورى را تقویت و معتبر نمایند، مخالفت با ابزارهای هوشمند، موجب عسر و حرج خواهد شد، در صورتی که در فقه اسلامی قاعده نفی

آن خداوند و از نظریه تکامل حمایت می‌گردد، خالق یا تولیدکنندگان سیستم‌های هوش مصنوعی بشر می‌باشد. علاوه بر این، ربات، ماشینی است که فاقد جنسیت می‌باشد. بنابراین هوش مصنوعی را بر اساس ماهیت بیولوژیکی آن، نمی‌توان به عنوان یک انسان طبقه‌بندی کرد، حتی اگر در آینده به عنوان یک ربات مرد یا زن طبقه‌بندی شود (۳۰).

در خصوص ویژگی بعدی، اجتهاد عبارت است از قدرت استنباط احکام شریعت از منابع اسلامی. با توجه به نظریات متفاوت در خصوص ویژگی اجتهاد در میان علمی شیعه و سنی این دیدگاه قابل تعدیل می‌باشد. چراکه برخی از علمای شیعه اجتهاد قاضی را از شرایط اصلی قضاوت ندانسته، بلکه اشخاص غیر مجتهد مأذون از ناحیه ولی فقیه نیز می‌توانند امر قضاوت را بر عهده بگیرند. همچنین برخی از علمای حنفی نیز قائل به اتصاف اجتهاد برای قضات نبوده‌اند (۳۱). به نظر می‌رسد انتخاب داور متخصص در اختلافات، شاید معنای خاص اجتهاد در شرع را تأمین ننماید، لکن مشرف‌بودن داور به مسائل تخصصی را تأمین می‌نماید.

در خصوص ویژگی فوق، طراحی، کدگذاری و برنامه‌ریزی سیستم‌های هوش مصنوعی با اطلاعاتی مانند اصول و قواعد اسلامی این چالش تا حدودی قابل رفع می‌باشد.

در خصوص ویژگی سلامت یا عاری از نقص جسمانی داور، لازم به ذکر است افراد ناشنوا یا نابینا مجاز به انجام داورى نیستند. این خصوصیت یا الزام مذکور نسبت ماشین‌های هوشمند نظر به تفاوت ساختار آن با انسان‌ها قابلیت تطبیق ندارد. با این حال، اگر ابزارهای هوش مصنوعی با گذراندن آزمایشات فنی، تحویل جامعه گردد، مفهوم سلامت نیز تأمین می‌گردد.

در فقه امامیه و برخی فرق اهل سنت، با استناد به آیه ۱۴۱ سوره نساء «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و قاعده نفی سبیل، اسلام، یکی از شروط اساسی برای قضاوت می‌باشد. در مقابل، برخی از فرق اهل سنت همچون حنفیان، اسلام در قضاوت را به طور کلی شرط ضروری نمی‌دانند (۳۲). در خصوص مسلمان بودن داور، اساساً تفکیک ربات مسلمان و غیر مسلمان در جهان وجود ندارد. ممکن است کسی استدلال

عسر و حرج مهر بطلان بر عدم پذیرش و به رسمیت‌شناختن هوش مصنوعی خواهد زد.

قاعده لاضرر: مضمون این قاعده این است که در اسلام ضرر مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر نفی گردیده است. همانطور که بیان گردید، هرگونه احکام ضرری به موجب قاعده لاضرر، از اعتبار ساقط خواهد شد. بر اساس توضیحات فوق، با توجه به اینکه عدم پذیرش هوش مصنوعی در صحت‌سنجی ادله داورى، دارای مفسده بیشتری نسبت به مصلحت آن می‌باشد، در حالی که احکام می‌بایست مصالح آن من حیث المجموع از مفسد آن بیشتر باشد، در غیر این صورت با هدف تشریح و تقنین مغایرت خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در تفسیر قوانین، برخی مکاتب چون اخباریون صرفاً به دنبال کشف احکام مستحدثه از آیات، روایات و نص می‌باشند. به عبارت دیگر از تمامی علوم چون ادبیات، علم رجال، صنایع ادبی و... در جهت تفسیر اراده مقنن بهره می‌برند. مکتب دیگری به نام عقلیون علاوه بر اجرای نظم، به دنبال آن می‌باشند که آیا ظاهر یا نص قانون تطابق با عقل دارد یا خیر. چنانچه ظاهر یک قانون خلاف مستقالات عقلی باشد، بنا بر تلازم عقل و شرع چنین تقنینی خلاف اهداف شارع حقیقی می‌باشد. در این راستا علاوه بر اجرای نظم، در تفسیر قانون و تطابق آن با عرف عقلایی و کشف اراده مقنن در عصر حاضر نیز می‌کوشند.

به نظر می‌رسد که تفسیر قانون می‌بایست منتج به نظم و عدالت گردد. بدیهی است که تفسیر شخصی از قوانین منظور نگارنده نمی‌باشد، بلکه چنانچه در اثر گذر زمان و ایجاد مسائل جدید و مستحدثه مفسرین قانون یا حقوقدانان، تفسیر لفظی قانون را خلاف عرف عقلایی موجود بدانند، می‌بایست راهکارهای قانونی در رفع مقررہ قدیمی و کهنه بیابند. همانطور که توضیح داده شد، استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی صحت‌سنجی ادله داورى صراحتاً در قوانین اشاره نشده است. اگر در تفسیر قانون، صرفاً نگاه اجمالی به مواد

تعیین‌شده در زمان تقنین انداخته شود، عدم پیش‌بینی هوش مصنوعی و تبعاً منع به کارگیری آن تفسیر تحت‌اللفظی و اجرای نظم مد نظر خواهد بود، در حالی که بسیاری از اختلافات پیچیده در سطح بین‌الملل وجود دارد که روش‌های سنتی و متداول پاسخگو نمی‌باشند، بلکه بر فرض رسیدگی منصفانه نیز، بسیار زمان‌بر و پرهزینه خواهند بود. نظر به اهداف تأسیسی و مراد مقنن در داورى، اختیارات و اراده طرفین در حل و فصل اختلافات بسیار پررنگ و مؤثر تلقی می‌گردد. مؤید این امر، بند ۳ ماده ۲۷ قانون داورى تجاری بین‌المللی ایران می‌باشد که مقرر می‌دارد طرفین می‌توانند داورى را بر اساس عدل، انصاف یا کدخدامنشانه به جریان بیندازند. در مواد دیگر از این قانون، بی‌طرفی، استقلال و تساوی رفتار از اصول آمرانه ناظر بر داور می‌باشد. در جمع مقررات به نظر می‌رسد که طرفین می‌توانند قوانین ماهوی یا شکلی حاکم بر اختلافات خود را تعیین نمایند، چه اینکه رسیدگی بر اساس عدل، انصاف یا کدخدامنشانه داخل در قوانین ماهوی و شکلی نخواهد بود، بلکه چنانچه داور به مثابه یک کدخدا به اختلاف رسیدگی کند، منعی از نظر این قانون ندارد. آنچه برای یک کدخدا در داورى حائز اهمیت است، رسیدگی بر اساس مصالح و مفسده طرفین بدون قانون از پیش تعیین‌شده می‌باشد، اما در هر حال کدخدا می‌بایست با رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال اختلاف را حل و فصل نماید. شاید برخی چنین استدلال نمایند که استفاده از هوش مصنوعی در داورى دارای سوگیری و تبعیض خواهد بود، لذا اساساً به کارگیری آن ممنوع است. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت آنچه در داورى مورد نهی قرار گرفته است، خروج از بی‌طرفی و استقلال است. اگر الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، چنین چالشی نداشته یا برطرف نماید، بر اساس قاعده فقهی «إذا زال المانع عاد الممنوع»، ممنوعیت هوش مصنوعی به خاطر عدم استقلال که مانع است، بر طرف خواهد شد.

مشارکت نویسندگان

محمدامین اسمعیل‌پور: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.

فاطمه قناد: ارائه موضوع و ایده.

شهاب جعفری ندوشن: ارائه ایده.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر حسن لجم اورک قاضی دادگستری و خانم دکتر سیما قربانی پژوهشگر حوزه هوش مصنوعی به واسطه ارائه نقطه نظرات دقیق و علمی در زمینه هوش مصنوعی اعلام می‌دارند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Behmai M, Mohammadi M. Challenges of online arbitration process and formalities compared to normal arbitration. *Judicial Law Perspectives Quarterly*. 2022; 25(91): 69-90. [Persian]
2. Mehrafza M, Zargar A, Habibi Dargah B. Artificial intelligence and international commercial arbitration. *International Legal Research*. 2017; 11(42): 331-352. [Persian]
3. Mirshah Panah Z, Mafi H, Daghi A. A comparative study of the study of evidence by the arbitrator in the legal systems of Iran and America and the rules of the international Bar Association. 2023; 14(1): 539-562. [Persian]
4. Abu Tarabi Zarchi M, Ebrahimi N. New technologies of "online dispute resolution"; Opportunities and challenges (focusing on the online crowdsourcing method). *Legal Studies*. 2021; 13(3): 1-32. [Persian]
5. Pourastad M. The origin and rule of prohibiting the study of reason. *Law Quarterly (Journal of Faculty of Law and Political Science)*. 2008; 40(4): 119-199. [Persian]
6. Mohagheq Damad SM, Kikha M. Review of the Custom Application approach in the interpretation In Judicial Law based on Imamiyah jurisprudence. *Journal of Judicial Law Views*. 2018; 81: 167-191. [Persian]
7. Golbaghi M, Jabar A. Anwardi bar Araf. Qom: Islamic Propaganda Office; 1999. [Persian]
8. Ansari M. Fouad al-Asul. Tehran: Vodjani Bookstore; 2004. [Persian]
9. Karmi MQ. The position of legal personality in jurisprudence. *Faqihaneh Scientific Journal*. 2018; 3(8): 124-143. [Persian]
10. Maydanyk R, Maydanyk N, Velykanova M. Liability for damage caused using artificial intelligence technologies. *Journal of the National Academy of Legal Sciences of Ukraine*. 2021; 28(2): 150-159.
11. Ziemianin K. Civil legal personality of artificial intelligence: Future or utopia? *Internet Policy Review*. 2021; 10(2): 1-22.
12. Mojahed A. A comparative study of the effects of partnerships in Iranian and British law. *Law and Modern Studies*. 2021; 2(2): 1-16. [Persian]
13. Rapti A. Liability Issues Regarding Artificial Intelligence in a European and International Context. Thessaloniki: International Hellenic University; 2023. p.3-18.
14. Mozafari M, Mirzaei Moghadam M. The feasibility of arbitration of legal entities based on judicial procedure. *Voting Quarterly Judicial Opinion Studies*. 2021; 9(32): 15-33. [Persian]
15. Khodabakhshi A. Arbitration rights and claims related to it in judicial procedure. Tehran: Sohami Publishing; 2023. p.655. [Persian]
16. Whittam S. Mind the compensation gap: Towards a new European regime addressing civil liability in the age of AI. *International Journal of Law and Information Technology*. 2022; 30(2): 249-265.
17. Gandhamkar R, Salehi Mazandarani M, Hamidi M. A comparative study of the possibility of legal personality for intelligent systems in Imami jurisprudence, Iranian law and Western law. *Comparative Research of Islamic and Western Law*. 2021; 8(4): 235-266. [Persian]
18. Solove DJ, Citron DK. Standing and Privacy Harms: A Critique of *TransUnion v. Ramirez*. *BUL Rev Online*. 2021; 101: 62-71.
19. Zakerinia H. The Nature and Basis of Civil Liability Arising from Artificial Intelligence in Iranian and EU Members' Laws. *Private Law Journal*. 2023; 20(1): 135-152. [Persian]
20. Taheri H. Civil Laws. 2nd ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers; 1997. Vol.2. [Persian]
21. Amin A. An introduction to the theory of legal personality in Imami jurisprudence. *Legal Civilization*. 2021; 4(9): 541-557. [Persian]
22. Katouzian N. The contribution of justice in the interpretation of the law. *Journal of Faculty of Law and Political Science*. 2006; 72(1): 1-24. [Persian]
23. Qadir M, Kazemi Forushani H. The basics of commercial arbitration in Islamic jurisprudence and international law. *Journal of Law Politics*. 2018; 15(41): 11-30. [Persian]
24. Hussain M, Labanieh M, Mahdzir N, Sulaiman N, Bawazir O. The Potential Prospect of artificial intelligence (AI) in arbitration from the international, national and islamic perspectives. *Journal of International Studies*. 2023; 19(1): 95-122.
25. Maboudi R, Rezaei A. Criteria for determining headquarters in online arbitrations. *Business Research Journal*. 2021; 25(100): 131-158. [Persian]

26. Borumand BF, Shahbazinia M, Arabian A. Procedural good faith of arbitration parties in England and Iranian Law. CLR. 2020; 24(4): 1-24. [Persian]
27. Nikbakht H. Arbitration "Civil-Commercial Disputes". 1st ed. Tehran: Business Publishing Company, Affiliated with Matalat and Business Research Institutes; 2023. p.424.
28. Izadifard AA, Kaviar H, Hosseinejad SM. Proof-needed jurisprudential justice of judge in Imamiyah jurisprudence and Iranian law. Journal of Judicial Law Views. 2018; 81: 22-59. [Persian]
29. Houshmand Firouzabadi H, Bathaei F. Investigating the Legal Nature of Arbitration. Islamic Law & Jurisprudence Researches Journal. 2018; 13(48): 171-192. [Persian]
30. Islam R. Artificial Intelligence and Legal Challenges. ELCOP Yearbook of Human Rights. 2018; 257-274.
31. Bahrami Khoshkar M. Judgment by Non-Mujtahid in Imamiya Jurisprudence with an Approach to Imam Khomeini's Opinion. Strategy. 2013; 21(4): 69-92. [Persian]
32. Bish Behnia E. Obligatory ruling on the use of artificial intelligence as a judge in terms of Imami jurisprudence. Kerman: Shahid University of Arts; 2021. [Persian]